

معراج السعادة

حاج ملا احمد نراقي



سرشناسه	:	نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۱۸۵-۱۲۲۵ ق.
عنوان و نام پدیدآور	:	معراج السعاده/ احمد نراقی.
مشخصات نشر	:	تهران: دینا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۷۷۶ ص.
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
یادداشت	:	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	:	اخلاق اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۲ م ۴۰۶ ن ۷۵/۷۵ BBP2۲۷
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۶۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۱۶۰۳۴۹



☐ معراج السعاده

☐ حاج ملا احمد نراقی

☐ چاپ اول: ۱۳۹۲

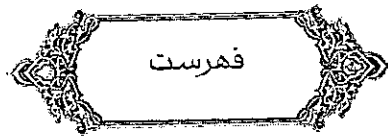
☐ قطع و تعداد صفحات: ۷۷۶ صفحه وزیری

☐ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

☐ بها: ۴۰۰۰ تومان

☐ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۸۶-۵-۲

☐ توجه: به موجب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و مترجمان مصوب ۱۳۳۸/۱۰/۱ و همچنین قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۰ کلیه حقوق این اثر به در نحو برای انتشارات دینا محفوظ می باشد. هر کس تمام یا قسمتی از این کتاب را بدون اجازه، نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



۲۹	 مقدمه
۲۹	 زندگینامه و آثار مرحوم ملا احمد نراقی
۳۱	 پدر مرحوم نراقی:
۳۱	 اساتید مرحوم نراقی
۳۲	 مشایخ روایتی او
۳۲	 شاگردان او
۳۲	 تالیفات مرحوم نراقی
۳۴	 فرزندان مرحوم نراقی
۳۴	 وفات مرحوم نراقی
۳۴	 کتاب معراج السعادة
۳۵	 در مورد چاپ کتابی که پیش رو دارید این کارها انجام شده
۳۶	 مصادر مقدمه

باب اول: در بیان بعضی مقدمات نافعه، از بیان حالات نفس و منفعت

۴۱	 فضایل اخلاق و مضرت رذایل آن
۴۳	 فصل اول: شناختن نفس مقدمه شناختن خدا

۴۳.....	تأثیر شناختن نفس در تهذیب اخلاق
۴۵.....	فصل دوم: ترکیب انسان از جسم و نفس
۴۷.....	فصل سوم: راه شناختن نفس
۴۹.....	فصل چهارم: حقیقت و ماهیت آدمی
۵۱.....	فصل پنجم: سیر به عالم بالا با جنبه روحانی
۵۳.....	فصل ششم: لذت و الم جسم و روح
۵۴.....	فصل هفتم: مفسد بیماری نفس و فوائد صحت آن
۵۶.....	علم بدون تزکیه، علم نیست
۵۸.....	توجه به صحت جسم، و غفلت از صحت و روح
۵۹.....	فصل هشتم: حصول ملکات نفسانی به تکرار اعمال
۶۱.....	فصل نهم: فایده علم اخلاق و برتری آن بر سایر علوم
۶۴.....	فصل دهم: تهذیب اخلاق و ثمره آن
۶۴.....	سعید مطلق کیست

باب دوم: در سبب انحراف اخلاق از جاه پسندیده و حصول اخلاق

۶۹.....	ذمیمه و بیان قوای نفس انسانی
۷۱.....	فصل اوّل: قوای چهارگانه و تبعیت سایر قوا از آنها
۷۲.....	اما این چهار سرهنگ
۷۳.....	قوه عاقله
۷۵.....	فصل دوم:
۷۵.....	لذت و الم قوای چهارگانه
۷۶.....	منحصر نبودن لذات در لذات جسم
۷۷.....	سعی در استیلاي قوه عاقله بر سایر قوا
۸۰.....	فصل سوم:

قوای چهارگانه سرمنشانیکیها و بدیها	۸۰
فصل چهارم :	۸۱
در بیان اینکه قوه عقلیه ادراک کلیات کند، و قوه وهمیه ادراک جزئیات نماید	۸۱
فصل پنجم :	۸۳
کارفرمائی قوه عامله	۸۳
فصل ششم :	۸۶
فصل ششم اجناس صفات ردیله	۸۶
فصل هفتم :	۸۸
مقابل هم بو دن او صاف ردیله و صفات فاضله	۸۸
فصل هشتم :	۹۰
مشتبه شدن صفات ردیله به صفات حسیه	۹۰

باب سوم : در بیان محافظت اخلاق حمیده از بیرون رفتن از حد اعتدال،
و معالجات کلیه درازاله ذمائم اخلاق و احوال از آنچه تخصیص ندارد به

بعضی صفات و اعمال، و آنچه متعلق است به این منزل	۹۵
فصل اول :	۹۷
حفظ تعادل اخلاقی حمیده	۹۷
شباهت علم اخلاق به علم طب	۹۸
فصل دوم :	۱۰۰
مقدمات تزکیه نفس	۱۰۰
فصل سوم :	۱۰۴
تشخیص امراض نفسانی	۱۰۴
اسباب امراض نفسانی	۱۰۶
راه معالجه امراض نفسانی	۱۰۶

باب چهارم: در تفصیل انواع اخلاق و بیان شرافت فضایل و کیفیت اکتساب

هر یک و شرح مفاسد در ذایل و بیان معالجه خصوصیات هر یک از آنها ۱۰۹

اخلاق حسنه و ذمیمه و فواید و مفاسد آنها ۱۱۱

مقام اول: عدالت ۱۱۳

فصل اول: در بیان آن چه متعلق است به قوه عامله و آن عبارت است که از

عدالت و در آن چند فصل است ۱۱۳

اقسام و درجات عادل ۱۱۶

فصل دوم: اقسام عدالت ۱۱۸

فصل سوم: عدالت سر منشا کمال و سعادت ۱۲۱

فصل چهارم: اتصاف مصلح به عدالت ۱۲۴

مقام دوم: در بیان معالجه اخلاق ذمیمه که متعلق است به قوه عاقله ۱۲۶

مطلب اول: در بیان دو جنس رذیله و ضد آنها ۱۲۶

فصل پنجم: حکمت در مقابل جریزه و جهل ۱۲۸

شرافت و فضیلت علم و علماء ۱۲۹

آداب و شروط تعلیم ۱۳۱

آداب تعلیم ۱۳۳

علم اصول عقاید ۱۳۴

احتراز از معاصی سبب اعتقاد جازم ۱۳۵

تلقین ترجمه عقاید به اطفال ۱۳۷

و جوب عینی علم اخلاق ۱۳۸

علم مقدمه عمل ۱۳۹

مطلب دوم: در بیان سایر انواع رذایلی که از دو جنس مذکور، یعنی: جریزه و جهل

بسیط، ناشی می شوند و از متعلقات قوه عاقله اند و آن چند صفت رذیله است. ۱۴۱

چهل مرکب ۱۴۱

۱۴۲	 شک و حیرت
۱۴۲	 یقین و اقل مراتب آن
۱۴۳	 علامات صاحب یقین
۱۴۵	 مراتب یقین
۱۴۶	 شرک و اقسام آن
۱۴۷	 فصل: توحید و اقسام آن
۱۴۷	 مراتب توحید و اثرات آن
۱۴۸	 فصل: علائم ترقی در مراتب توحید
۱۵۰	 فصل: آشنائی با اسرار ملک و ملکوت
۱۵۲	 صفت چهارم: خواطر نفسانی و وساوس شیطانی
۱۵۲	 افکاری که دل را مشغول می کند
۱۵۴	 فصل: اقسام الهام و وسوسه و علامات آنها
۱۵۶	 فصل: مضرات وساوس شیطانی و خواطر نفسانی
۱۵۷	 فصل: معالجه امراض نفسانی
۱۵۸	 غفلت از خدا سبب وسوسه شیطان
۱۶۰	 ذکر قلبی مانع وساوس و خواطر
۱۶۲	 فصل: خواطر و افکار محموده و اقسام آنها
۱۶۴	 تدبیر در آفرینش اقلیم وجود
۱۶۶	 حکمت الهی در خلقت پشه و زنبور
۱۶۷	 قدرت نمائی حق در خلقت انسان
۱۶۸	 تفکر در استخوانها و رگهای بدن
۱۶۹	 تأمل در عجایب استخوان سر
۱۷۰	 نگاهی به اسرار چشم و نقش آن
۱۷۱	 در عجایب گوش

۱۷۱	 حکمت‌های نهفته در صورت انسان
۱۷۲	 دستگاه گوارش بدن
۱۷۳	 دستگاه گردش خون
۱۷۳	 نگاهی به چگونگی خلقت دست‌ها و انگشتان
۱۷۴	 ترکیب مخصوص آفرینش پای آدمی
۱۷۴	 حکمت الهی در غذا و تربیت نوزاد
۱۷۵	 نقش قوه خیالیه و واهمه و عاقله
۱۷۶	 آیات آفاق: مشاهده قدرت پروردگار در کره زمین
۱۷۶	 انواع گیاهان و فوائد آنها
۱۷۶	 درختان و شکوفایی آنها
۱۷۷	 اصناف حیوانات
۱۷۷	 عجایب دریاها
۱۷۷	 تفکر در کرات آسمانی
۱۷۸	 عظمت آسمانها
۱۷۹	 تفکر در اعمال و افعال خود
۱۸۲	 مکر و حيله
۱۸۳	 طريقه خلاصی از مکر و حيله
۱۸۴	 مقام سیم: در بیان صفات رذيله و اخلاق جميله که متعلق است به قوه غضبيه
۱۸۴	 تهور
۱۸۵	 جبن
۱۸۵	 خوف و اقسام آن
۱۸۶	 فصل: انواع خوف مذموم
۱۸۷	 علل خوف از مرگ
۱۹۲	 فصل: اطمینان قلب و طريقه تحصیل آن

۱۹۲.....	ایمنی از مکر خدا
۱۹۳.....	فصل اول: سبب ایمنی از مکر الله
۱۹۵.....	فصل دوم: خوف از خدا و انواع آن
۱۹۸.....	فصل سوم: مکروهاتی که سر منشا خوف و ترس است
۱۹۹.....	خوف از سوء عاقبت
۲۰۰.....	فصل چهارم: خوف از خدا عالی ترین درجه خوف
۲۰۴.....	فصل پنجم: کیفیت تحصیل صفت خوف از خدا - جل جلاله -
۲۰۶.....	علت نترسیدن از سوء خاتمه
۲۰۹.....	راه محافظت خاطر از معاصی در وقت مردن
۲۱۱.....	یاس و ناامیدی از رحمت خدا و مذمت آن
۲۱۲.....	فصل: رجاء و امیدواری به خدا
۲۱۶.....	اموری که وسیله نجات مؤمنین است
۲۱۹.....	رجاء و امیدواری بدون طاعت
۲۲۰.....	فصل: خوف اصلح است یا رجاء؟
۲۲۲.....	فصل: طریقه تحصیل رجاء
۲۲۳.....	ضعف نفس و معالجه آن
۲۲۴.....	فصل: قوت نفس و طریقه تحصیل آن
۲۲۵.....	دنائت همت و مذمت آن
۲۲۶.....	بی غیرتی و بی حمیتی و مذمت آن
۲۲۷.....	فصل: غیرت در دین و ناموس
۲۲۹.....	غیرت در اولاد و تربیت آن
۲۳۱.....	غیرت در مال
۲۳۲.....	عجله و شتابزدگی و مذمت آن
۲۳۵.....	فصل: وقار و طمانینه

۲۳۵	 سوء ظن و بددلی به خدا و خلق
۲۳۷	 طریقه معالجه بدگمانی به خدا و خلق
۲۳۸	 فصل: حسن ظن به خدا و خلق
۲۳۸	 غضب و اسباب آن
۲۳۹	 فصل: غضب مفرط و مفسدان
۲۴۰	 فصل: معالجه غضب
۲۴۳	 فصل: حلم و کظم غیظ
۲۴۵	 در صدد انتقام بودن و مذمت آن
۲۴۶	 فصل: عفو و بخشش و فضیلت آن
۲۴۷	 صفت یازدهم: غلظت و درستی در گفتار و کردار
۲۴۸	 شرافت مدارا کردن با مردم
۲۴۹	 صفت دوازدهم: کج خلقی
۲۵۰	 معالجه کج خلقی
۲۵۲	 صفت سیزدهم: عداوت و دشمنی
۲۵۲	 معالجه عداوت و دشمنی
۲۵۳	 فصل: مذمت ضرب، فحش، لعن و طعن
۲۵۷	 نفرین به مسلمان
۲۵۸	 صفت چهاردهم: عجب و خود بزرگ بینی و مذمت آن
۲۶۱	 عجب، سرمنشأ آفات و صفات خبیثه دیگر
۲۶۱	 فصل: معالجه مرض عجب
۲۶۵	 معالجه تفصیلی مرض عجب
۲۶۵	 علاج عجب به علم
۲۶۷	 علاج عجب به عبادت و طاعت
۲۶۸	 علاج عجب به ورع و تقوی و نحو اینها

علاج عجب به حسب و نسب	۲۶۹
علاج عجب به جمال	۲۷۱
در علاج عجب به مال	۲۷۲
علاج عجب به قوت و قدرت خود	۲۷۲
علاج عجب به جاه و منصب و نحو اینها	۲۷۲
علاج عجب به عقل و زیرکی خود	۲۷۳
فصل: شرافت شکسته نفسی و حقیر شمردن خود	۲۷۴
صفت پانزدهم: کبر و فرق آن با عجب	۲۷۵
متکبرین در روز قیامت	۲۷۶
فصل: اقسام تکبر و درجات متکبرین	۲۷۸
فصل: طریقه معالجه تکبر	۲۷۹
فصل: علائم و نشانه‌های تکبر و تواضع	۲۸۱
فصل: تواضع و فروتنی	۲۸۵
فایده: مذموم بودن ذلت و خواری	۲۸۷
صفت شانزدهم: افتخار (فخر) و مذمت آن	۲۸۸
صفت هفدهم: بغی و سرکشی و علاج آن	۲۸۸
صفت هیجدهم: خودستایی	۲۸۹
صفت نوزدهم: عصبیت	۲۸۹
صفت بیستم: کتمان حق و مذمت آن	۲۹۰
فصل: انصاف	۲۹۱
صفت بیست و یکم: قساوت قلب و سخت دلی و علاج آن	۲۹۱
مقام چهارم: در بیان آنچه متعلق است به قوه شهویه از رذایل صفات و کیفیت	
معالجه آنها، و فضایل ملکات و طریق تحصیل آنها	۲۹۲
مطلب اول: دو جنس صفات خبیثه متعلقه به قوه شهویه، و ضد آنها	۲۹۲

۲۹۵	ثمرات گرسنگی
۲۹۶	مفاسد پیروی از شهوت فرج
۳۰۰	فصل دوم: مذمت خمود و فواید نکاح
۳۰۳	فصل سوم: عفت، ضد شره و خمود
۳۰۵	مطلب دوم: سایر صفاتی که متعلق است به قوه شهویه

www.ketab.ir

صفت اول: محبت دنیای دنیه و بیان این صفت و آنچه متعلق به آن است

- در چند فصل ذکر می شود. ۳۰۵
- فصل: حقیقت دنیای نفسه ۳۰۵
- حقیقت دنیا در حق بندگان ۳۰۶
- فصل: تقسیم دنیا به مذموم و غیر مذموم ۳۰۸
- فصل: مذمت دنیا و بی ارزشی و بی اعتباری آن ۳۰۹
- فصل: چیزهایی که دنیا را به آنها تشبیه کرده اند ۳۱۹
- فصل: بیان دنیای ممدوح و مذموم ۳۲۲
- اقسام آنچه در دنیا هست ۳۲۴
- فصل: فقر و غنا و حالت های آنها ۳۲۴
- فصل: مذمت مال و مالداري ۳۲۵
- مدح مال ۳۲۷
- فصل: مفاسد مال ۳۲۸
- فواید مال ۳۳۰
- فصل: طرق رهایی از مفاسد مال ۳۳۱
- فصل: زهد و فضیلت آن ۳۳۲
- زهد و زاهد از دیدگاه آیات و روایات ۳۳۲
- نگاهی بر زهد پیامبر (ص) و علی (ع) ۳۳۷
- فصل: درجات و اقسام زهد ۳۳۸
- فایده زاهد حقیقی و علائم او ۳۴۳
- صفت دوم: مفاسد غنا و بی نیازی ۳۴۴
- فصل: فقر و اقسام آن ۳۴۵
- فصل: فضیلت و شرافت فقر و فقرا ۳۴۶
- فصل: فضیلت فقیر صابر و راضی، بر غنی شاکر و سخی ۳۵۰

۳۵۱.....	فضیلت فقیر حریص بر غنی حریص
۳۵۱.....	فصل: فرق بین فقیر و گدا و مذمت تکدی
۳۵۷.....	صفت سوم: حرص و مفاسد آن
۳۵۸.....	فصل: ملکه قناعت
۳۵۹.....	فصل: طریقه معالجه صفت حرص، و تحصیل ملکه قناعت
۳۶۳.....	صفت چهارم: طمع و مفاسد آن
۳۶۴.....	فصل: شرافت استغنا و قطع طمع
۳۶۶.....	صفت پنجم: بخل و مذمت آن
۳۶۸.....	فصل: فضیلت سخاوت
۳۶۹.....	ایثار، بالاترین مرتبه سخاوت
۳۷۰.....	فصل: معالجه مرض بخل
۳۷۲.....	فصل: چگونگی مصرف مال
۳۷۳.....	فصل: نکات باطنیه سخاوت
۳۷۵.....	اسرار و جوب زکاة
۳۷۷.....	علاج منت گذاردن و ایذای فقیر
۳۸۰.....	فایده: آداب انفاق شونده
۳۸۱.....	خمس
۳۸۲.....	نفقہ اهل و عیال
۳۸۳.....	صدقات مستحبہ
۳۸۶.....	ہدیہ
۳۸۶.....	مہمانی کردن و آداب آن
۳۸۷.....	آداب میہمان
۳۸۸.....	حق معلوم و حق حصاد
۳۸۹.....	قرض دادن

۳۸۹	مهلت دادن قرض دار
۳۹۰	اعانت مسلمین نمودن
۳۹۰	حفظ آبرو و دفع شر اشرار
۳۹۰	ساختن مسجد، مدرسه و پل
۳۹۱	مال حرام خوردن
۳۹۲	فصل: اموال حلال و حرام و مشتبه و درجات آنها
۳۹۳	فرق بین هدیه و رشوه
۳۹۴	فصل: فضیلت اجتناب از مال حرام
۳۹۵	فصل: مداخل مال حلال
۳۹۶	اصناف دزدان و گدایان
۳۹۷	خیانت و عذر در مال
۳۹۸	خوض در باطل
۳۹۸	سخن بی فایده گفتن
۴۰۰	فصل: خاموشی و ترک سخنان لغو و بی فایده
	مقام پنجم: صفاتی که متعلق است به سه قوه عاقله، غضیه، شهویه،
۴۰۲	یابه دو قوه از این سه قوه از ردایل و فضایل و آن صفات بسیار است
۴۰۲	حسد و مفاسد آن
۴۰۴	حسود سود نمی برد
۴۰۶	فایده: مراتب حسد
۴۰۶	فصل: موجبات حسد
۴۰۸	فایده: حسدورزی هر صنفی به صنف خود
۴۰۸	محبت دنیا منشأ همه اسباب حسد
۴۱۰	فصل: معالجه مرض حسد با علم و عمل
۴۱۲	فایده: دو قسم حسد مذموم و حرام

فصل: مدح و فضیلت نصیحت و خیر خواهی	۴۱۴
صفت دوم: اهانت و تحقیر نمودن بندگان خدا و مذمت آن	۴۱۶
احترام پیران	۴۱۷
احترام سادات	۴۱۸
صفت سیم: ظلم و مفساد آن	۴۱۹
برگشت اثر هر ظلمی، به خود ظالم یا به اولاد او	۴۲۲
آه مظلوم	۴۲۴
اعانت به ظالم و راضی به فعل او شدن	۴۲۵
عدالت و فضیلت آن	۴۲۶
قواید دنیوی عدالت	۴۲۹
فصل: آثار و لوازم عدالت	۴۳۱
حکایت دادرسی نمودن سلطان محمود غزنوی	۴۳۵
حکایت دادرسی سلطان ملک شاه	۴۳۶
فاحکم علی ملکه بالویل و الخرب	۴۳۷
فصل: معالجه مرض ظلم و تحصیل ملکه عدالت	۴۳۸
صفت چهارم: ترک اعانت مسلمین و عدم اهتمام در امور ایشان	۴۴۱
فصل: اهتمام در ثواب قضای حوائج مسلمین و اعانت برایشان	۴۴۲
ثواب اعانت بر مسلمین و بر آوردن حاجات ایشان	۴۴۴
صفت پنجم: کوتاهی و مسامحه کردن در امر به معروف و نهی از منکر	۴۴۶
فصل: اهتمام در امر به معروف و نهی از منکر	۴۴۸
و جواب امر به معروف و نهی از منکر و شرایط آن	۴۵۰
شرایط امر و ناهی	۴۵۲
شرایط امر و نهی شونده	۴۵۳
فصل: مراتب امر به معروف و نهی از منکر	۴۵۳

۴۵۴	فصل: مختصری از محرّمات شایعه در میان مردم
۴۵۶	صفت ششم: مذمت قهر کردن و دوری از برادران دینی
۴۵۷	فصل: فضیلت و ثواب آشتی و الفت
۴۶۰	صفت هفتم: قطع صله رحم و اسباب آن
۴۶۱	وجوب و فضیلت صله رحم و فواید آن
۴۶۲	فایده: مراد از رحمی که صله آن واجب و قطع آن حرام است
۴۶۴	صفت هشتم: عقوب والدین و مذمت آن
۴۶۶	فضیلت نیکی به والدین
۴۶۹	فصل: حقوق همسایگان
۴۷۱	صفت نهم: مذمت عیبجوئی کردن
۴۷۲	فضیلت عیب پوشی کردن
۴۷۵	صفت دهم: مذمت فاش کردن راز مردم و فضیلت رازداری
۴۷۷	صفت یازدهم: سخن چینی و نمایی و مفاسد آن
۴۷۹	اعتنا نکردن به سخن نام
۴۸۰	صفت دوازدهم: افساد میان مردم و ذم و عقاب آن
۴۸۰	اصلاح میان مردم و فضل و ثواب آن
۴۸۲	صفت سیزدهم: شماتت کردن
۴۸۴	صفت چهاردهم: مرأ و جدال و مخاصمه
۴۸۵	ممدوح بودن خصومت در حق شرعی
۴۸۷	صفت پانزدهم: سخریه و استهزاء کردن
۴۸۹	صفت شانزدهم: مزاح و خنده و بذله گوئی و شوخی کردن
۴۹۱	صفت هفدهم: معنی و حقیقت غیبت
۴۹۲	فصل اول: غیبت به غیر زبان
۴۹۳	شنونده غیبت نیز حکم غیبت کننده را دارد

فصل دوم: آیات و اخبار وارده در حرمت و مذمت غیبت	۴۹۴
فصل سوم: معالجه اجمالی مرض غیبت	۴۹۷
معالجه تفصیلی مرض غیبت	۴۹۷
فصل چهارم: مواضعی که غیبت در آنها جایز است	۵۰۰
مواضعی که بعضی از علما، حکم به تجویز غیبت کرده‌اند	۵۰۱
صفت هیجدهم: دروغ گفتن	۵۰۳
مواضعی که دروغ گفتن در آنها جایز است	۵۰۴
توریه کردن	۵۰۵
دروغهای حرامی که مردم در آنها سهل انگارند	۵۰۵
فصل: اجتناب از کذب، و طریقه خلاصی از آن	۵۰۷
دروغ گفتن مایه رسوایی	۵۰۷
فصل: صدق و راستگویی	۵۰۸
کذب در کردار و اعمال	۵۰۸
کذب در اخلاق و مقامات دین	۵۰۹
فایده: مفاسد و آفات زبان	۵۱۰
صمت و خاموشی ضد آفات و مفاسد زبان	۵۱۲
صفت نوزدهم: حب جاه، شهرت، و ریاست	۵۱۵
فصل: آیات و روایات وارده در مذمت حب جاه و شهرت	۵۱۵
فصل: حب جاه و ریاست بی ضرر و ممدوح	۵۱۷
فصل: علاج علمی و عملی مرض حب جاه و ریاست	۵۱۹
حکایت شاهزاده‌ای که می‌خواست داماد شود	۵۲۴
معالجه عقلی حب جاه	۵۲۵
فصل: شرافت گمنامی و بی اعتباری	۵۲۵
حکایت فرزند گمنام هارون الرشید	۵۲۶

۵۲۸	قصه معاویه، پسر یزید پلید
۵۳۰	صفت بیستم: دوست داشتن مدح و ثنا، و کراهت داشتن ذم
۵۳۱	مراتب صاحب صفت فوق
۵۳۱	اسباب مدح و خوش آمدگویی
۵۳۲	فصل: معالجه حب مدح و ثنا، و کراهت ذم
۵۳۳	معالجه کراهت از مذمت
۵۳۴	علاج عملی صفت مذکور
۵۳۵	صفت بیستم: دوست داشتن مدح و ثنا، و کراهت داشتن ذم
۵۳۶	مراتب صاحب صفت فوق
۵۳۶	اسباب مدح و خوش آمدگویی
۵۳۷	فصل: معالجه حب مدح و ثنا، و کراهت ذم
۵۳۸	معالجه کراهت از مذمت
۵۳۹	علاج عملی صفت مذکور
۵۴۰	صفت بیست و یکم: ریا
۵۴۲	فصل: اقسام و انواع ریا
۵۴۳	فصل: مفاسد اقسام ریا و احکام آنها
۵۴۹	فصل: علاج ریا
۵۵۱	معالجه عملی مرض ریا
۵۵۲	فصل: اخلاص
۵۵۳	آفات اخلاص
۵۵۴	فصل: فضیلت و شرافت اخلاص
۵۵۷	صفت بیست و دوم: نفاق و دورویی، و مذمت آن
۵۵۷	موارد استثنای نفاق
۵۵۹	صفت بیست و سوم: غرور و مذمت

۵۶۰	فصل: طوایف اهل غرور، و اسباب غرور، و معالجه آنها
۵۶۰	کفار و صاحبان مذاهب فاسد
۵۶۰	اهل فسق و معاصی
۵۶۵	اهل علم
۵۶۹	واعظان
۵۷۰	صغورین از اهل عبادت
۵۷۱	اهل تصوف، و درویشان و فریفتگان
۵۷۵	سلاطین و حکام و صاحبان امر و نهی
۵۷۶	اعتبا و مالداران
۵۷۸	صفت بیست و چهارم: طول اهل و اسباب آن
۵۸۰	فصل: قصرا مل و فواید آن
۵۸۱	طوایف مختلف مردم در رابطه با طول امل و قصر امل
۵۸۲	فصل: معالجه طول امل
۵۸۸	صفت بیست پنجم: گناهکاری و اصرار بر معاصی و عدم پشیمانی از آن
۵۸۹	فصل: توبه و پشیمانی و اسباب آن
۵۹۰	فصل: قضیلت توبه
۵۹۵	توبه از همه گناهان
۵۹۶	فصل: قبولی توبه دارای شرایط
۵۹۷	حکایت توبه «شعوانه»
۵۹۸	حکایت توبه مرد گناهکار و قبولی توبه اش
۵۹۹	فصل: اقسام توبه و بیان آنها
۶۰۱	شرایط توبه از نظر حضرت علی - علیه السلام -
۶۰۳	اسبابی که گناه صغیره را کبیره می کنند
۶۰۳	فصل: اقسام توبه کنندگان

۶۰۴	عدم اعتماد به نفس نباید مایه پشیمانی از توبه شود
۶۰۵	صفت بیست و ششم: فراموشی از اعمال خود، و غفلت از محاسبه آنها
۶۰۵	فصل: محاسبه و مراقبه
۶۰۷	فصل: عقل، تاجر راه آخرت
۶۰۷	مرباطه و اجرای آن
۶۱۰	کیفیت محاسبه نفس
۶۱۲	اسبابی که اعمال مربوطه با آنها آسان می شود
۶۱۳	مطالعه احوال صالحین سلف
۶۱۶	صفت بیست و هفتم: مذمت کراهت و شرافت ضد آن (محبت)
۶۱۶	وجوه ادراک آدمی و اقسام موجودات
۶۱۷	فصل: اسباب محبت و اقسام آن
۶۲۱	فصل: هیچ دلی از محبت خالی نیست
۶۲۲	فصل: محبت به خدا بالاترین محبت ها
۶۲۲	اجتماع همه اسباب محبت در حق پروردگار
۶۲۶	فصل: فساد قول کسی که محبت خدا را فقط مواظبت بر طاعات می داند
۶۲۷	محبت خدا از نظر پیامبران الهی
۶۳۲	فصل: محبت خدا اکمل لذتها
۶۳۸	راههای لقاء و مشاهده و وصال حضرت حق
۶۴۰	فصل: طریق تحصیل محبت و معرفت خدا
۶۴۱	فصل: علائم و آثار محبت خدا
۶۴۴	حکایت بنده ای که ذره ای از معرفت خدا به او عطا شد
۶۴۵	علائم و آثار دیگر محبت و معرفت خدا
۶۴۶	ابراهیم خلیل الرحمن و محبت و معرفت خدا
۶۴۷	حکایت فرزند قربانی کردن ابراهیم

فصل: حقیقت شوق به لقای خدا	۶۴۸
حقیقت انس به خدا	۶۵۱
فصل: خلوت و عزلت و فواید آن	۶۵۳
فواید مخالطه با مردم	۶۵۴
فصل: آیات و اخباری که دلالت می‌کنند خدا بندگان خود را دوست دارد	۶۵۶
فصل: پیرامون حب فی الله و بغض فی الله	۶۵۷
درجات معصیت و اظهار بغض	۶۵۸
وفا و جفا	۶۵۸
صفت بیست و هشتم اعتراض بر اراده و تقدیرات خدا	۶۶۰
فصل: رضا بر قضا و مقدرات الهی	۶۶۲
فصل: رضا از ثمرات محبت	۶۶۴
فصل: عدم منافات رضا با دعا	۶۶۶
فصل: طریق تحصیل رضا	۶۶۶
صفت بیست و نهم: خزن و اندوه بر امور دنیوی و علاج آن	۶۶۸
صفت سی‌ام: مذمت بی‌اعتمادی به خدا و اعتماد به غیر خدا	۶۷۲
فصل: توکل بر خدا و فضیلت آن	۶۷۳
فصل: تقسیم امور بندگان	۶۷۶
عدم منافات اسباب با توکل	۶۷۶
فصل: درجات توکل	۶۷۸
فصل: طریقه تحصیل صفت توکل و علامت حصول آن	۶۷۹
صفت سی و یکم: کفران نعمت و شکر آن	۶۸۱
فصل: فضیلت شکر نعمت	۶۸۳
فصل: شناختن اشیائی که رضای خدا در آنهاست	۶۸۵
فصل: شکر نعمت و کفران نعمت به اموری که در اختیار انسان است	۶۸۶

۶۸۸	فصل: شناختن نعمتهای الهی
۶۸۹	فصل: فهمیدن و درک غذا قبل از خوردن
۶۹۰	فصل: رغبت آدمی به غذا
۶۹۱	فصل: حکمت‌های نهفته در دانه گندم
۶۹۲	فصل: تصرفات لازم برای تحصیل نان
۶۹۳	فصل: طبقات و اصناف ملائکه و اعمال ایشان
۶۹۶	فصل: سبب تقصیر مردم در شکرگزاری
۶۹۶	فصل: طریقه تحصیل شکرگزاری حضرت باری
۶۹۹	صفت‌سی و دوم: جزع و بی‌تابی
۷۰۰	فصل: صبر و شکیبایی
۷۰۲	فصل: صبر در حال رفاهیت و نعمت
۷۰۴	فصل: ثمراتی که بر صبر مترتب می‌شود
۷۰۸	فصل: اموری که طالب صبر باید مراعات نماید
۷۱۱	صبر حضرت ایوب - علیه السلام -
۷۱۵	صفت‌سی و سوم: فسق است
۷۱۷	باب پنجم: اسرار و آداب عبادات
۷۱۹	مقصد اول: در طهارت و نظافت
۷۲۱	فصل اول: آداب باطنیه طهارت بدن از خبث
۷۲۳	فصل دوم: آداب باطنیه طهارت بدن از حدث
۷۲۵	فصل سوم: ازاله فضلات و کثافات بدن
۷۲۷	مقصد دوم: بعضی از اسرار و آداب باطنیه نماز
۷۲۹	فصل اول: چیزهایی که حقیقت و روح نماز است
۷۳۱	فصل دوم: غفلت، مخالف روح و حقیقت نماز
۷۳۵	فصل: علل و اسباب آداب باطنیه نماز

۷۳۶	طریقه تحصیل اسباب و آداب باطنیه نماز:
۷۳۶	اقسام اسباب مشغولی دل:
۷۳۹	فصل چهارم: اسرار و اشارات متعلقه به شروط و افعال و ارکان نماز
۷۴۲	فصل پنجم: آداب دخول در نماز
۷۴۴	فصل ششم: آداب قرائت و بقیه اعمال نماز
۷۴۹	فصل هفتم: آداب و شرایط امام جماعت
۷۵۱	مقصد سوم: در بعضی از آداب باطنیه ذکر و دعا
۷۵۱	فصل اول: بعضی از آداب و شرایط ذکر
۷۵۳	فصل دوم: بعضی از آداب و شرایط دعا
۷۵۵	مقصد چهارم: بعضی از شرایط و آداب تلاوت قرآن
۷۵۶	فصل: آداب ظاهریه قرائت قرآن
۷۵۶	آداب باطنیه قرائت قرآن
۷۶۱	مقصد پنجم: شمه‌ای از آداب روزه
۷۶۲	درجات روزه
۷۶۳	مقصد ششم: بعضی از آداب حج
۷۶۳	فصل اول: بعضی از اسرار آداب باطنیه حج
۷۶۶	فصل دوم: اموری که هنگام توجه به حج باید مراعات شود
۷۶۸	فصل سوم: اسرار باطنیه مقدمات و اعمال حج
۷۷۳	فصل هفتم: آداب زیارت بعضی از مشاهد مشرفه
۷۷۴	فصل: ثواب و فضیلت زیارت

مقدمه

زندگی‌نامه و آثار مرحوم ملا احمد نراقی

«ملا احمد نراقی»، فرزند مرحوم «حاج ملا مهدی نراقی»، در سال ۱۱۸۵ هجری قمری مطابق با ۱۱۵۰ شمسی در نراق متولد شد. او از فحول علمای دین، و اکابر مجتهدین شیعه می‌باشد، که در علم فقه، اصول، حدیث، رجال، نجوم، ریاضی، معقول و منقول، ادبیات و شعر تبحر داشته و علاوه بر علوم متداول عقلی و تقلی در بسیاری از علوم دیگر مهارتی بسزا داشته ملا احمد نراقی فردی زاهد، متقی، و در او صاف حمیده و اخلاق فاضله زیانزد خاص و عام بوده و در فخر و فضل او همین بس که استاد خاتم الفقها مرحوم «شیخ مرتضی انصاری» - اعلی الله مقامه الشریف - بوده است. صاحب «روضات الجنات» او را اینچنین ستوده: «... او دریایی مواج، بحری متلاطم، استادی ماهر، استوانه اکابر، ادیبی شاعر، و فقیهی برازنده، از بزرگان دین و عظمای مجتهدین به شمار می‌آمد. از دانش پر، و از کودکی صدفی مملو از در بود. نراقی مجتهدی جامع بود و از اکثر علوم، بویژه اصول، فقه، ریاضی و نجوم بهره کامل و کافی داشت...». مرحوم نراقی از علمای طراز اول قرن سیزده هجری و سرآمد آنان بوده، و در عین داشتن ریاست و شهرت، در توجه به احوال اشخاص ناتوان و بی بضاعت بسیار کوشا بوده و با شفقت و ملاطفت همواره ملجأ مراجعات بوده. تلاش بی وقفه او در تحصیل علم و کمالات، و اخلاق وارسته او در ارشاد و هدایت، و اهتمام او به نگهداری از طلاب و اداره زندگی آنها نقشی بسزا در پیشرفت مذهب داشته. آثار گرانمای علمی او در زمینه‌های گوناگون، نشانه جامعیت اوست. و ویژگی دیگر او در پدید آوردن این اثرهای ارزنده، پیروی و متابعت او از پدرش می‌باشد، زیرا با تلاش او تصانیف پدرش به دنیای علمی معرفی شد. پدرش مرحوم ملا مهدی نراقی در فقه کتاب «معتمد الشیعه» را تالیف نمود و او کتاب «مستند الشیعه» را. پدر کتاب «مشکلات العلوم» را در فنون مختلف به رشته تحریر در آورد، و پسر کتاب «خزائن» را در تکمیل آن. پدر در علم اخلاق کتاب شریف «جامع السعادات» را بنگاشت، و پسر کتاب «معراج

السعاده» را. او همچنین بسیاری از آثار مرحوم پدر را شرح نموده و بدین وسیله همواره نام و یاد او را در خاطره‌ها زنده نگه داشت، و به ادعای بسیاری باعث شهرت پدر گردید. تالیفات مرحوم نراقی، هم در زمان خودش و هم پس از او مورد عنایت و مراجعه علما بوده، به طوری که فقیه بزرگ شیعه مرحوم «سید کاظم یزدی» صاحب «عروه» - رضوان الله تعالی علیه - همیشه سه کتاب مهم فقهی در نزدش عزیز و مورد مراجعه بوده که یکی از آنها مستند مرحوم نراقی است مرحوم نراقی از روحی لطیف و ذوقی سرشار برخوردار بوده، و اشعار عرفانی و اخلاقی بسیاری سروده که حاوی مضامین توحیدی است و در دو دیوان به نام او جمع‌آوری شده. یکی «دیوان اشعار» و دیگری دیوان مثنویات او که به نام «ملاقیس» مشهور است و بارها در ایران چاپ شده. کتاب طاق‌دیس که به سبک و روش مثنوی ملای رومی است، شامل قصص و داستانهای اخلاقی و تربیتی است که با نظمی شیوا و دلنشین به رشته تحریر درآمده. او در اشعارش به صفای تخلص می‌کرده. از اشعار نغز او ست: ساقی به یاد یاریده ساغری زمی از آن گنه چه پاک که باشد به یادوی من ژنده پوش یارم و دارم به جان او ننگ از قبای قیصر و عار از کلاه کی تاکی دلا به مدرسه طامات طرهات بشنو حدیث یار دوروی ز نای نی واعظ مگو حدیث بهشت و قصور و حور ماتوسن هوا و هوس کرده ایم بی ما عندلیب گلشن قدسیم باغ ما یمن بود زیاد خزان و هوای دی زاهد برو چه طعنه مستی زنی که هست مست از خیال دوست صفایی نه مست می یارب ز بخت ماست که شد ناله بی اثر یا هرگز آه و ناله و زاری اثر نداشت زان بی نشان ز هر که نشان جستم ای عجب دیدم چو من ز هیچ نشانی خبر نداشت گفتم علاج غم به دعای سحر کنم عاقل از این که تیره شب ما سحر نداشت در داکه دوش طاعت سی سال خویش را دادم به می فروش به یک جرعه بر نداشت دنیا و آخرت همه دادم به عشق و بس شادم که این معامله یک جو ضرر نداشت گر ترک عشق کرد صفایی عجب مدار بیچاره تاب محنت از این بیشتر نداشت ای خدا خواهم برون از هر دو عالم عالمی تاز رنج جسم و جان آنجا بر آسایم دمی این خمار کهنه ما را کجا باشد علاج از سبویا خم دریا گرز می بودی یمی زخم دل را مرهمی جستم طیبی دید و گفت زخم شمس قاتلی هست این ندازد مرهمی آدمی زادی که می گویند، اگر این مردمندای خوشا جایی که در آنجا نباشد آدمی نقش مرحوم حاج ملا احمد نراقی در جنگ دوم با روسیه تزاری:

مرحوم نراقی در عهد قاجاریه و در دوران پادشاهی فتحعلی شاه قاجار می زیسته. دوره قاجاریه از شگفت‌انگیزترین ادوار تاریخ ایران است. دوره‌ای است که قدرتهای بزرگ جهان از اقصای نقاط دنیا به علل گوناگون چشم به آن دوخته بودند. و ایران مرکزی شده بود که تمام قدرتها دور آن دایره زده بودند. روسها قسمتی از نواحی شمالی ایران را اشغال کرده، و به بدترین وضع با اهالی آنجا رفتار می کردند. پس از شکست ایران در جنگهای اول با روسیه (۱۲۳۰ مطابق با ۱۸۱۵ میلادی) و از دست دادن برخی از ولایات و نقاط سرحدی ایران و بدرفتاری روسها با سکنه آن نواحی، در مردم حالت انتقامجویی و آمادگی برای مقابله فراهم شد. مؤلف کتاب «تاریخ سیاسی و دیپلماسی» در این زمینه می نویسد: «اجحافات و رفتار بی رویه مأمورین دولت روس که باعث تنفر مردم در ایالات متصرفه گردیده و از همان سال ۱۲۳۰ سکنه این نواحی را تکان داد و بالاخره در سال ۱۲۴۱ مبدل به یک شورش و هیجان عمومی گردید». «... ظلم و فجایع دولت روسیه علمای مسلمان را در مشاهد متبرکه سخت مضطرب و نگران ساخته بود...». افکار مردم به حد اعلا بر ضد روسیه تهییج شده بود. ملت و

روحانیون و اغلب زمامداران تقاضای اعلان جنگ بر ضد دولت روسیه داشتند. در تاریخ ۵ ذیحجه ۱۲۴۱ (۱۱ ژوئیه ۱۸۲۹) «آقا سید محمد مجتهد» به همراهی یکصد تن از روحانیون وارد سلطانیه شد. دسته دیگری از اهالی به سرپرستی «ملا احمد نراقی» نزد فتحعلیشاه آمدند و به تظاهرات پرداختند و نتیجه این شد که: در اثر حمله نیروهای ایران به قوای روس که از ذیحجه ۱۲۴۱ تا آخر محرم ۱۲۴۲ انجام گرفت تمام نواحی که مطابق «معاهده گلستان» تسلیم روسها شده بود از جانب قوای ایران اشغال گردید.

پدر مرحوم نراقی:

پدراو «حاج ملا مهدی بن ابی ذر نراقی» معروف به «محقق نراقی» است، که در سال ۱۲۰۹ هجری وفات یافته و در نجف اشرف مدفون است. او از اکابر علمای شیعه، مجتهد، حکیم، عارف، ریاضی دان و در جامعیت و احاطه و تخصص در علوم نقلی و عقلی کم نظیر است. «میرزا ابو الحسن مستوفی» که معاصر مرحوم نراقی است ضمن بیان شخصیت نراقی از او به فیلسوف به حق، حکیم مطلق، جامع معقول و منقول المولی الاعظم و الحبر الاعلم، استاد البشرو... تعبیر کرده عمده تحصیلات محقق نراقی در اصفهان بوده و از اساتیدی بزرگ همچون «ملا اسماعیل خواجهی»، «حاج شیخ محمد هرنندی»، «ملا مهدی هرنندی» و «آقامیرزا نصیر اصفهانی» بهره جسته است و سپس از محضر اساتید بزرگ کربلا و نجف چون «آقا محمد باقر بهبهانی» و «شیخ یوسف بحرانی» (صاحب حدائق) هم استفاده کرده. و پس از مراجعت به ایران در کاشان مسکن گزیده و به برکت وجود شریفش، آن شهر، دار العلم و دار التحصیل و مجمع علما گردیده است. مرحوم ملا مهدی نراقی دارای تالیفات زیادی در زمینه فقه، اصول، فلسفه، کلام، تفسیر، ادبیات، ریاضی، و نجوم می باشد که در اکثر کتب تراجم و رجال به آنها اشاره شده. آقای «حسن نراقی» در مقدمه کتاب «قره العیون» که با تصحیح و تعلیق و مقدمه آقای «سید جلال الدین آشتیانی» بوسیله دانشگاه فردوسی مشهد چاپ شده، فهرست تفصیلی آثار ایشان را با اشاره به نسخه های آنها، نگاشته اند.

اساتید مرحوم نراقی

مرحوم ملا احمد نراقی تحصیلات خود را ابتدا نزد پدر بزرگوارش در کاشان شروع نمود، و پس از مدتی تلمذ و بهره جویی از محضر درس پدر، با فراست ذهن و ذکاوت خدادادی به مرتبتی نائل شد که خود، حوزه درس برقرار کرد. او ابتدا دروس سطح مثل «معالم» و «مطول» را تدریس می نموده و طلاب علوم دینی را جمع و با ایشان به مذاکره و مباحثه می پرداخته که این طریق تأثیری بسزا در پیشرفت علمی او داشته. تا اینکه همراه پدر، سفری به عتبات عالیات رفته و با پدر خود به درس «آقا محمد باقر و حیدر بهبهانی» حاضر شده و مدتی بهره جسته. در سال ۱۲۱۲ بار دیگر به عراق رفته و در شهر مقدس نجف مدتی نزد «سید بحر العلوم» و سپس در محضر «شیخ جعفر نجفی کاشف الغطا» و در کربلا نزد «میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی» و «آقا سید علی طباطبائی» (صاحب ریاض) تلمذ نموده و یکی از اجله علما و مشاهیر فقها گردیده و به نراق مراجعت نموده است. و پس از وفات پدرش در سال ۱۲۰۹ هجری مرجعیت عامه به او منتقل شده و مورد توجه عموم قرار گرفته

و رئیس علی الاطلاق گردیده است.

مشایخ روایتی او

مرحوم نراقی از جماعتی از علماء و بزرگان - رضوان الله تعالى علیهم - روایت می نماید از جمله: ۱- والد ماجدش مرحوم ملا مهدی بن ابی ذر نراقی ۲- علامه سید مهدی بحر العلوم ۳- میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی ۴- شیخ جعفر نجفی کاشف الغطا ۵- سید علی طباطبایی (صاحب ریاض) ، او به واسطه پدرش از «شیخ یوسف بحرانی» ، از «ملا رفیع گیلانی» ، از «ملا محمد باقر مجلسی» روایت می نماید.

شاگردان او

عده ای از مفاخر و بزرگان از حوزه درس مرحوم ملا احمد نراقی استفاده کرده اند از جمله: ۱- خاتم الفقها مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری ۲- مرحوم آقا محمد باقر هزار جریبی ۳- مرحوم ملا محمد علی آرانی کاشانی ۴- حاج سید محمد شفیع جاپلی و بسیاری از اجلای وقت از تلامذه او بوده و از وی اجازه روایت داشته اند. صورت اجازات مؤلف از بیست مورد متجاوز است که عینا به خط مولف یا صاحبان اجازات نزد فاضل معاصر جناب آقای «حسن نراقی» که یکی از احفاد مرحوم نراقی است باقی است.

تالیفات مرحوم نراقی

آثار بسیاری از مرحوم ملا احمد نراقی به یادگار مانده که قسمت عمده آنها بارها چاپ و مورد استفاده همگان قرار گرفته. تصنیفات و تالیفات مرحوم نراقی در مصادر مختلف تا قریب ۲۳ عنوان معرفی شده و بر اساس دستخط مرحوم نراقی که به وسیله آقای حسن نراقی در مقدمه کتاب طاقدیس چاپ انتشارات امیرکبیر گراور شده تالیفات آن مرحوم تا سال ۱۲۲۸ هجری قمری یعنی زمان کتابت آن به ۱۸ جلد می رسد. اما با توجه به آنچه مرحوم «شیخ آقا بزرگ» در کتاب گرانقدر «الذریعه» گردآورده و تعداد محدودی که در سایر مصادر معرفی شده و در دسترس مرحوم شیخ آقا بزرگ نبوده تالیفات آن بزرگوار به قریب ۲۵ جلد می رسد که ذیلا اسامی آنها درج می شود: ۱- اجتماع الامر و النهی. ۲- اساس الاحکام فی تنقیح عمد مسائل الاصول بالاحکام (شرح شرایع الاسلام مرحوم محقق). ۳- اسرار الحج (در سال ۱۳۳۱ چاپ شده). ۴- حجة المظنة. ۵- الخزان: مجموعه ای است علمی و ادبی، دارای مطالبی مهم در زمینه های: فقه، تفسیر، حدیث، تاریخ، لغت، نجوم، هیئت، ریاضی، عرفان، طب، و علوم غریبه: اعداد، جفر، صنعت، کیمیا و همچنین حاوی اشعار و غزلیات لطیف و ادبی و حکایت شیرین و خواندنی. این کتاب به زبان فارسی به منزله تتمیم و ذیل برای «مشکلات العلوم» مرحوم پدرش تالیف شده. ۶- دیوان صفایی نراقی: همانطور که قبلا ذکر شد مرحوم نراقی به صفایی تخلص داشته. و این دیوان غیر از مثنویات اوست که به نام طاقدیس خواهد آمد. ۷- رساله الاجازات. شامل: اجازه های مرحوم نراقی به شاگردانش و اجازات مشایخش ۸- رساله عملیه (فارسی در عبادات). ۹- سیف الامة و برهان الملة: کتابی است فارسی در رد شخصی بنام «هانری مارتین» معروف به «پادری» که مسیحی بوده و

شبهاتی در دین اسلام وارد کرده که منجر به تالیف این کتاب شد. این کتاب دوبار در ایران چاپ شده و در اول آن فهرستی مبسوط به قلم فرزند مصنف ملا محمد نراقی متوفای ۱۲۹۷ نوشته شده. ۱۰- شرح تجرید الاصول: متن آن از پدرش می باشد. این کتاب در ۷ جلد نگارش یافته و شامل همه مباحث علم اصول است. ۱۱- شرح حدیث جسد المیت و انه لا تبلى الا طینته. ۱۲- شرح رساله ای در حساب (که متن آن را مرحوم پدرش نوشته است). ۱۳- شرح محصل الهیئة. (متن آن نیز از مرحوم ملا مهدی نراقی پدر مصنف است). ۱۴- طاقدیس. شامل اشعار عرفانی و اخلاقی به سبک مثنوی مولوی و به زبان فارسی لطیف. این کتاب هم اکنون به همت آقای حسن نراقی به وسیله اشارات امیر کبیر منتشر می شود. ۱۵- رساله ای در عبادات. ظاهراً این کتاب غیر از رساله عملیه ای است که نام آن تحت شماره ۹ ذکر شد. و مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه به طور مستقل مان را ذکر کرده است. ۱۶- عوائد الایام من امهات ادلة الاحکام. مشتمل بر ۸۸ عائدة و آخرین عائدة آن در تراجم روایات احادیث است و مرحوم شیخ انصاری بر آن حاشیه زده اند. ۱۷- القضاء والشهادات. ۱۸- مستند الشیعه فی احکام الشریعة: کتاب فقهی و استدلالی مرحوم نراقی که در شهرکاشان ده سال قبل از وفاتش پایان یافته، یعنی سال ۱۲۳۴ هجری قمری. ۱۹- مشکات العلوم: این کتاب غیر از مشکلات العلوم پدرش و غیر از کتاب خزائن می باشد. ۲۰- مفتاح الاحکام فی اصول الفقه. ۲۱- مفتاح الاصول. ۲۲- مناهج الاحکام: در اصول فقه شامل ۲ جلد، جلد اول مباحث الفاظ و جلد دوم در ادلة شرعیة. ۲۳- رساله فی منجزات المریض. ۲۴- وسیلة النجاة: شامل دو رساله: یکی بزرگ و دیگری کوچک در دو جلد که به درخواست فتحعلیشاه نوشته شده. ۲۵- هداية الشیعه: رساله ای است در فقه. ۲۶- خلاصة المسائل: رساله ای است در زمینه مسائل طهارت و صلوات. ۲۷- الرسائل والمسائل: فارسی است در جواب سؤالات، در این کتاب از کتابهای پدرش و از کتاب «کشف الغطاء» تالیف استادش مرحوم شیخ جعفر نجفی مطالبی نقل می کند. این کتاب در دو جلد است. جلد اول آن مسائلی است که فتحعلیشاه قاجار و غیره از او سؤال کرده اند و جلد دوم در بیان بعضی از مسائل اصولی و حل بعضی از مشکلات است. تاریخ کتابت آن ۱۲۳۰ می باشد. ۲۸- معراج السعادة (کتاب حاضر). ۲۹- حاشیه اگر تاودوسیوس، به نقل مؤلف «تاریخ کاشان» (و بر اساس دستخط خود مرحوم نراقی که در مقدمه کتاب طاقدیس گردآوری شده). ۳۰- جامع المواعظ. (به نقل مؤلف «تاریخ کاشان» و مؤلف «مکام الاثر»، ج ۴، ص ۱۲۳۶) ۳۱- مناسک حج، (بر اساس دست نویس مرحوم نراقی در مقدمه طاقدیس). ۳۲- الاطعمة والاشربة: فارسی است (به نقل سید محسن امین در اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۴). ۳۳- تذکرة الاحباب: فارسی است در فقه (به نقل مؤلف تاریخ کاشان). ۳۴- کتابی در تفسیر. (به نقل سید محسن امین در اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۴). ۳۵- عین الاصول: اولین کتابی است که مرحوم نراقی تالیف نموده. لازم به توضیح است که: مرحوم شیخ آقا بزرگ بعضی از اجازات فاضل نراقی را در الذریعه به عنوان کتابی مستقل ذکر کرده که از ذکر آنها خودداری شده، تنهار رساله اجازات ایشان که شامل بیست اجازه است در این مجموعه ذکر گردید.

فرزندان مرحوم نراقی

از مرحوم ملا احمد نراقی دو فرزند پسر بجای ماند یکی «حاج ملا محمد» ملقب به «عبدالصاحب» و معروف به «حجة الاسلام» که صاحب تالیفاتی بوده و بعضی از آنها چاپ شده. وفات او بسال ۱۲۹۷ هجری قمری در کاشان در حدود هشتاد سالگی واقع شده و دیگری به نام «نصیر الدین» که دارای تالیفاتی از جمله شرحی بر کتاب کافی مرحوم کلینی است.

وفات مرحوم نراقی

مرحوم نراقی در اثر وبای عمومی، که کاشان و اطراف آن را فرا گرفته بود، در اول شب یکشنبه بیست و سوم ربیع الثانی سال ۱۲۴۵ هجری قمری در نراق چشم از جهان فرو بست. جنازه اش پیش از دفن به نجف اشرف منتقل و در سمت پشت سر مبارک مولی الموحدين حضرت علی بن ابی طالب - صلوات الله و سلامه علیه - در جانب صحن مطهر مرتضوی در کنار قبر پدرش دفن گردید. صاحب «روضات الجنات» از قول بعضی از شاگردان مرحوم نراقی داستانی را نقل می کند که نمودار علو مقام و درجات مرحوم نراقی است. او می نویسد: در هنگام انتقال جنازه مرحوم نراقی به نجف اشرف در یکی از منازل بین راه به خاطر گرمی شدید هوا می ترسیدیم جنازه متعفن شود، جنازه بر زمین و قراء در اطرافش مشغول به تلاوت قرآن کریم بودند که من برای اطلاع از این موضوع به نزدیک جنازه رفتم و در صدد تحقیق بر آمم اما جز رائحه ای طیب که گوئیا بوی مشک ناب بود چیزی استشمام نکردم. و این وضع ادامه داشت تا دم قبری که اصلا تغییری در بدن شریفش حاصل نشد. مرحوم «مدرس تبریزی» صاحب «ریحانة الادب» پس از نقل این داستان از صاحب روضات، داستانی را که خود شخصا از قول فرد موثق از استادش که مقداری از شرح لمعه را پیش او خوانده بود شنیده نقل می کند، بدین مضمون که: استادم آقای سید احمد خسرو شاهی نقل کرده، وقتی جنازه پدرش آقای حاج سید محمد خسرو شاهی را به نجف منتقل کردند خودش به پاس احترام پدر وارد قبر شده که جنازه را بگذارد، دو جنازه «حاج ملا مهدی» و «حاج ملا احمد نراقی» پدر و پسر را صحیحاً و سالم دیده، به طوری که هیچ آسیبی متوجه آنها نشده. این داستان در اواخر قرن سیزده و اوائل قرن چهارده واقع شده. و با این فاصله زمانی که از زمان مرگ پدر و پسر گذشته ملاحظه می شود که این امری عجیب و خارق عادت و تنهادر اثر خدمات خالصانه دینی حاصل می شود و بس. فاعتبروا یا اولی الابصار

کتاب معراج السعادة

کتاب معراج السعادة در بین کتب اخلاقی، نامی آشنا و اثری بسیار گرانقدر است که از تیر باز هم در حوزه های علمیه و هم در محافل ادبی بین دانشدوستان، مورد استقبال و توجه بوده و همواره خاص و عام آن را مورد مطالعه قرار داده و از مطالب ارزنده آن بهره برده اند. تا جایی که پاره ای از مطالب آن به عنوان متن درسی در کتابهای درسی گنجانده شده. اصولاً عنایت به مسائل اخلاقی و پیروی از الگوهای صحیح اخلاقی یکی از ویژگیهای جامعه اسلامی است. و با تکیه بر این امر مهم می توان بار سنگین مسؤولیتهای اجتماعی را به ثمر رساند. داشتن

متونی قوی و سالم و بدور از تحریف و در عین حال شیوا و جذاب می‌تواند در تحقق این هدف مؤثر باشد. الحق که به اعتراف همگان کتاب معراج السعاده از نظر محتوا و سبک و شیوایی بیان مطالب و تنوع موضوعات مطرح شده در زمینه مسائل تربیتی و اخلاقی، اثری است در خور توجه، و با اینکه قریب ۲۰۰ سال از تاریخ تالیف آن می‌گذرد هنوز تازگی خود را حفظ کرده و عطش جامعه در مورد آن فروکش نکرده. شاهد این مدعا چاپهای مکرر و متنوعی است که از کتاب مزبور وجود دارد. و به ادعای بعضی در بین آثار فارسی و حتی عربی اثری مثل آن نوشته نشده. به طوری که مرحوم نراقی در مقدمه کتاب اشاره کرده اند، کتاب «معراج السعاده» را که در واقع ترجمه «جامع السعادات» مرحوم پدرش می‌باشد به درخواست فتحعلیشاه قاجار به رشته تحریر در آورده. البته با اصلاحات و اضافاتی به خاطر استفاده عموم. با اینکه این کتاب بارها چاپ شده اما متأسفانه چاپی منقح و تحقیق شده که در خور این اثر ارزنده باشد از آن در دسترس نبود که خوشبختانه این کار به همت «انتشارات هجرت» تحقق پیدا کرد.

در مورد چاپ کتابی که پیش رو دارید این کارها انجام شده

ابتدای یکی از نسخ خطی معراج السعاده که تاریخ کتابت آن ۱۲۳۹ هجری قمری و مربوط به زمان حیات مؤلف می‌باشد شناسایی و استنساخ شد. این نسخه با نسخه مطبوع کتاب که به همت عالم ربانی و دانشمند فرزانه مرحوم «آیه الله شعرانی» تصحیح شده مقابله گردیده، و سپس کارهایی ذیل بر روی آن انجام شده: ۱- ویرایش ۲- استخراج مصادر آیات و روایات، اعم از آنهایی که مصنف به آنها اشاره نموده و یا اشاره نشده و لیکن نقل به مضمون گردیده. در اینجا ذکر این نکته لازم است که: در برخی از موارد که اصل سند در مصادر موجود پیدا نشده خود کتاب جامع السعادات به عنوان مصدر، نقل و معرفی شده ۳- ترجمه پاره‌ای لغات مشکل که فهم آن برای همه آسان نیست. ۴- توضیحی بسیار مختصر راجع به بعضی از اصطلاحات فلسفی، کلامی، فقهی و... ۵- معرفی اجمالی اشخاصی که گاهی در کتاب از آنها نام برده شده ۶- ترجمه بعضی از عبارات عربی و آیات و احادیث و اشعار عربی که برای افراد مبتدی سودمند خواهد بود. ۷- برای مطالبی که نیاز به شرح و بسط و توضیح بیشتر برای اقناع و استفاده خواننده داشته مصداری معرفی شده. از آنجایی که کتاب معراج السعاده در زمینه مسائل تبلیغی، کتابی جامع و ارزنده است، و حتی طلاب عزیز در سفرهای تبلیغی خود می‌توانند به عنوان مصدری که مطالب متنوع و گوناگون علمی، اخلاقی و تربیتی را به همراه دارد با خود داشته باشند تا از جمع و حمل کتابهای متنوع بی‌نیاز باشند، ابتدا به نظر رسید، در بیان نام مصادر روایات، تنها به نام کتاب و شماره روایت یا ذکر آدرس اکتفا نشود، بلکه به طور کامل عین روایت نقل شود تا افاده و استفاده کامل تر گردد. اما پس از پایان کار به خاطر حجم زیاد کتاب از این کار صرف نظر شد. و این اقدام را به چاپ بعدی کتاب که امیدواریم بزودی در انجام آن موفق شویم موکول کردیم. بدون شک کتاب با آن محتوا به خاطر حجم زیاد در دو جلد چاپ و عرضه خواهد شد. در چاپ ۲ جلدی معراج السعاده، گذشته از بیان اصل روایات، فهرستهای متنوع علمی و مصادر تحقیق و مراجعه گنجانده خواهد شد. در پایان لازم می‌دانیم از همه عزیزانی که در فراهم شدن این اثر ارزنده ماسارا یاری دادند، بخصوص برادران عزیز و گرامی مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر - اروا حافدا - که در

مراحل مختلف انجام کار از استخراج مصادر، تصحیح، مقابله و ویرایش از هیچ کوششی دریغ نکردند، تشکر کنیم. قم - حوزه علمیه محمدنقدی جمادی الثانی ۱۴۱۳ برابر با آذر ۱۳۷۱

مصادر مقدمه

۱- مجمع الفصحاء، ج ۲ ص ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲-۲- قصص العلماء، ص ۳۱۰۳- مستدرک الوسائل، ج ۳ ص ۴۳۸۴- مرآة قاسان یا تاریخ کاشان ص ۵۲۰۲- فوائد الرضویه، ص ۶۴۱- هدیة الاحباب، ص ۱۸۰ و ۱۸۱
۷- اعیان الشیعه، ج ۱ ص ۱۸۲- الکرام البررة، ج ۱ ص ۹۱۶- معجم المؤلفین، ج ۲ ص ۱۰۱۶۲- مصفی المقال، ص ۱۱۱۲- ریحانة الادب، جلد ۶ ص ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴- اعلام زرکلی، ج ۱ ص ۲۶۰
۱۳- مکارم الآثار، ج ۴ ص ۱۲۳۸، ۱۲۴۱- هدیة العارفین، ج ۱ ص ۱۸۵، ۱۸۶- ایضاح المکنون، ج ۱ ص ۳۳۱ و ج ۲ ص ۲۰، ۱۲۰، ۲۷۸، ۵۲۲، ۵۶۳- معجم مولفی الشیعه، ص ۴۱۵، ۱۷۴۱۶- روضات الجنات، ج ۱ ص ۹۶، ۹۷، ۱۲۰، ۲۰۱، ۱۸۲۰۲- نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱ ص ۳۴۳، ۳۴۴
۱۹- لباب الالقب، ۹۴، ۹۵، ۱۰۹- ریاض العارفین، ص ۲۱۲۶۶- نخبة المقال، ص ۲۲۳۲۳- تاریخ ادبیات ایران (تالیف دکتر رضازاده شفق)، ص ۲۳۲۰۱- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۶۲-۲۴
مقدمه جامع السعادات، چاپ نجف ۲۵- مقدمه خزان به کوشش علی اکبر غفاری ۲۶- مقدمه کتاب طاقدیس به اهتمام حسن نراقی ۲۷- تاریخ ادبیات ایران تالیف ادوارد براون، ترجمه رشید یاسمی، ص ۲۸۳۸۶- مقدمه کتاب قره العیون محقق نراقی از انتشارات دانشگاه فردوسی (از تالیفات پدر مرحوم نراقی) ۲۹- تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۶۱، ۲۴۸، ۲۴۵، ۲۸۳ و ۳۰۲۸۹- لغت نامه دهخدا، ج ۲ ص ۳۱۴۱۹- طرائف المقال، ج ۱، ص ۳۲۵۷- پاورقیها و اضافات ترجمه روضات الجنات به قلم آقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی، جلد ۱، ص ۳۳۱۴۴- اسناد المصفی، ص ۳۴۷- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۴، ص ۳۵۳۲۰- تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، انتشارات دانشگاه، ج ۱ و ۲ ص ۲۰۰، ۲۰۶، ۲۱۱ و مقدمه جلد ۲- ۳۶۲- سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، ص ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۳۷۵۷۲- الذریعة ج ۱ ص ۲۶۷، ج ۲ ص ۴۳، ۴۴
ص ۳۶۴ ج ۶ ص ۱۵۱، ۳۷۶، ۷ ص ۱۵۲ ج ۹ ص ۶۱۲ ج ۱۱ ص ۱۲، ۱۳، ۱۱۲ ج ۱۳ ص ۴۸۶ ج ۱۳ ص ۱۷۲، ۱۹۵، ۲۸۶ ج ۱۴ ص ۵۵، ۱۳۴، ۲۰۸، ۳۵۴ ج ۱۷ ص ۱۴۰ ج ۲۱ ص ۱۴، ۱۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۳۱۵، ۳۱۷ ج ۲۲ ص ۳۴۱، ۳۴۰ ج ۲۳ ص ۱۶ ج ۲۵ ص ۱۷۷ ج ۲۶ ص ۲۹۰، ۳۸۳۱۵- نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ص ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷ و ۱۴۸ بسم الله الرحمن الرحیم معراج سعادت جاودانی، و افتتاح ابواب فیوضات دو جهانی، ستایش و سپاس خداوندی است بکتا- جل شانه- و نیایش افزون از قیاس، یگانه ای است بی همتا، بهر برهانه، که از لمعات اشراقات فیض کاملش مصابیح قلوب اهل علم و عرفان در مشکوة مهج روشن، و از لوازم تجلیات لطف شاملش، سراج المنیر علوم برزوا یای ضمایر اولی البصائر پرتو افکن، اجرام علوی از علو شوق جمالش جملگی احرام بندگی بسته، گرد حرم کعبه جلالش به حرکات شوقی سرگشته طوف، و اجزای عالم سفلی از علو مرتبه ادراک کنه ذات لایزالش همگی در مقام بی خبری ثابت و حیران، از صغیر عنایتش همای نفس نفیس لاهوتی گرفتار قید تعلقات ناسوتی، به جناحین علم و عمل در فضای روح افزای عوالم

حقایق، پرواز نموده خود را به اوج سعادت می‌رساند. و از فیض هدایتش به تعلیم معلم عقل، و تادیب مؤدب شرع، معشر بشر، و فرقه ناس خود را از ادناس و ارجاس عالم طبیعت مصفا نموده به سیر سر منزل حقیقت می‌کشاند. خرد بخردان را در ساحت قدس تجردش مجال تردد محال، و بال همای وهم و خیال را طیران در فضای بی‌انقضای بقایش و بال، «فسبحانه ما اعظم شأنه و اجل احسانه». و افضل صلوات، و اکمل تحیات به جناب مقدس پیغمبری سزاوار است که: دوحه لوائی حمد به اسم سامیش مرشح، و توقیع و قیوع هدایت و تکمیل، به نام نامیش موشح، غالیه سایی نکبت مکارم اخلاقش کریمه «و انک لعلی خلق عظیم»، و عنوان صحیفه اشفاق بیضا، اشراقش (هو) «بالمؤمنین روف رحیم»، محمود به محامد اخلاق و شمیم، و ممدوح به محاسن الطاف و کرم، معلم معالم فروغ و اصول، صاحب فرمان: «و ما محمداً رسول». محمد شافع امت، قسیم دوزخ و جنت حبیب حضرت عزت، شه دین خسرو دنیا جهان را ناصر و یاور، جهانبان را پیام‌آور کزین پیک جهان داور، رسول خالق یکتاپس از سپاس ایزد داور، و پس از درود جناب پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - واسطه منقبت در خور سروری است که رفعت کاخ کرامتش از آن بالاتر که: کمندرسای مدارک او هام بشر به شرف آن تواند رسید، و عظم رتبه ولایش از آن بالاتر که: طوطی شکسته بال مقال، در ادای شمه‌ای از شیم ولایش از قفس نفس، نفس تواند کشید، صیت مکارم اخلاقش عرصه آفاق را چنان گرفته که منکر خسود را از سستی نطاق، طاقت ناطقه از عرض حال لال گشته، و آوازه فضائل ملکاتش در بسیط زمین چنان انتشار یافته که عدوی عنود را از کثرت خجلت جبین، غرق غرق انفعال مانده، و سفینه النجاتی که به ناخدائی همت بلندش کشتی به چهار موجه افتاده خلافت از دریای فتنه زای خلافت اندیشی مخالفان، سالما به کنار آمده، عین الحیاتی که تشنه کامان رحیق شوق را در ظلمات ضلالت، خضر هدایت بدین راه نموده، جامع سعادات سنیه، و حاوی کمالات علیه. شیر خدا شاه ولایت علی مظهر اسرار خفی و جلی درود با معدود و تحیات غیر محدود بر تتمه ائمه دین و اولاد طاهرین او، که همگی کیمیای سعادت اند و کلید گنج فیض سرمد، لمعات خورشید امامت اند و مصباح مشکوه کرامت، درر غرر خلافت اند و دره غره شرافت، مطالع لوایع قدس اند و زینت المجالس مجامع انس، سراج المنیر نهج المسترشدین اند و مفتاح الفلاح ابواب الجنان حق العین، فضیلات الله علیهم اجمعین الی یوم الدین. اما بعد: چنین گوید گرفتار دام آمال و امانی، و طالب سعادت جاودانی، احمد بن محمد مهدی بن ابی ذر - لقنهم الله حجتهم یوم العرض الاکبر - که: بر برای ارباب الباب واضح است که: خالق عالم، و موجد بنی آدم - جلت عظمت - به مقتضای حکمت کامله و قدرت شامله، قامت قابلیت نوع انسان را در مقام، «و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تقضیلاً» به تشریف، «و لقد کرمانا بنی آدم» سرافراز، و این صدف پاک را به ودیعت نهادن گوهر ادراک و نفس ناطقه، شرف امتیاز ارزانی داشت. سلطان و الاشان عقل را در مملکت بدن بر سریر مخروطی دل متمکن ساخت، و معاشر مشاعر و حواس را سر بر خط فرمان وی نهاد، تا اینکه طاغیان قوای سرکش طبیعی را تحت اطاعت و انقیاد آورده، به کسب اخلاق حمیده و صفات پسندیده طنطنه کوس کرامت به گوش سکان صوامع جبروت رسانده، در مضمار سعادت، گوی سبقت از ملائکه ملکوت رباید. نه فلک راست مسلم، نه ملک را حاصل آنچه در سر سویدای بنی آدم از اوست و به حکم محکم عقل، و نص مستفیض نقل، بر هریک از افراد سالکین منهج سداد، و طالبین طریق رشاد لازم است که: اولاً از آئینه گیتی نمایی دل، زنگ

ردائل، زایل، وبعد از آن، ادهم همت به صورت تحلیل به حل فضائل مایل سازد، چه بدون تخلیه، تخلیه میسر نشود، و انعکاس نقش حبیب، صورت نبندد. شستشویی کن و آنکه به خرابات خرام تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده و خود ظاهر و روشن و ثابت و مبین است که: دفع صفات ناپسند، و کسب ملکات ارجمند، موقوف بر شناختن آنها، و اصول و اسباب هر یک، و کیفیت و معالجات مقرر است. و متکفل بیان تفصیل این مطالب، علمی است که: تعبیر از آن به «علم اخلاق»، و «حکمت خلقیه» می نمایند. و بهترین نسخ کتب از حیثیت: نظم و ترتیب و حسن ترکیب و تعبیر لایق، تحقیق رائق، و اشتغال بر آیات و اخبار وارده در شریعت، و احتوای بر مقالات ارباب عرفان و اساطین حکمت، که در این فن شریف، تالیف و تصنیف شده کتاب موسوم به «جامع السعادات» است، که از تالیفات عالم عامل، و عارف و اصل، و حکیم کامل، و فقیه فاضل، و والد ماجد بزرگوار این ذره بی مقدار - قدس سره - است. و از آنجا که همگی همت سپهر رفعت اعلی حضرت، پادشاه جم جام، ملایک سپاه، گردون بارگاه، خدیو زمان، قبله سلاطین جهان، سرور خواقین دوران، بانی مبانی دین مبین، و مروج شریعت سید المرسلین، طغرای زیبای مشهور خلافت، رونق جمال کمال مملکت، آفتاب تابان فلک سلطنت، خورشید درخشان سپهر جلالت، صاحب مآثر ظالم و عدوان، مظهر، «ان الله یامر بالعدل والاحسان» خسروی که انجم، با آنکه همگی چشم شده، صاحبقرانی چون او در هیچ قرن ندیده، و سپهر پیر، با آنکه همه تن، گوش گشته، طنین طنطنه کشور گشائی چنین، شنیده. دارنده تخت پادشاهی دارای سپیدی و سیاهی شاهنشاه آفتاب سایه کیخسرو و کیقباد پایه قیصر به درش جنبیه داری فغفور، گدای گشت باری شاهنشاهی که سلاطین روم و فرنگ را آستان عرش اشتباهش پناه، و پادشاهان هندو خطارا در درگاه جهان پناهش روی امیدواری بر خاک راه. کمین مولای او صاحبکلاهان به خاک پای او سوگند شاهان عدالت گستری که در چمن عدالتش «صعوه» و «باز» هم پرواز، و در مرتع عنایتش گرگ باگوسفند، دمساز، از بیم بیاستش بره گریخته را، گرگ، کشان کشان به سوی شبان آورد. و «نسر» قوی پنجه، گنجشک گم کرده آشیان را به آشیان رساند. مرحمت پروری که به دوران مرحمتش، فریاد، بجز از مرغان چمن بر نیاید، و بیدادگری کسی بخیر عمره معشوق نیابد، فتنه در گوشه چشم خوبان به خواب، و آشوب در شکن زلف بتان قرار گرفته، باصیت سخاوتمندی جوید «معن» و حاتم، لفظی از معنی بیگانه، و با آوازه شجاعتش قصه مردی زال و رستم افسانه، تیغش قاطعی است به درجه طالع اعدا رسیده، و آفتابی است که چون به سمت الراس دشمن برسد، هنگام زوال خود را دیده آینه روشنی است که عروس حسناء، ملک چهره خود را جز در صفای آن نتواند دید، و پاک گوهری است از خاندان «و انزلنا الحديد» ، مهیب پیکری که صفت سطوت آن «فیه باس شدید»، تیرش سهم الموتی است، که به حسب تسبیر، به خانه نکبت دشمن انجامید، و همائی است تیز پر، که اجل نامه اعدای دولتش بر پای بسته، پیکری است تندرو که به رسم سفارت از عالم عدم به احضار مخالفان آمده، چتر عظمتش بر سر آسمانی است که خورشید در سایه آن، آستانش ایوانی است که «سبع سموات» نردبان هفت پایه آن، یکران سبک خیزش تندبادی است که سلیمان زمان بر آن سوار، آسمانی است که خورشید تابان را بر آن قرار، آب حسام خون آشامش نظارت بخش ریاض شریعت غرای احمدی، و تاب سنان آتش فشانش فروغ ملت بیضای محمدی، سپر حمایتش بر ناو پیراهل اسلام را جنة الامان، و جوشن حراستش زمره خاص و عام را پشتیبان، شیر بیشه جلادت، مرد میدان سعادت، گوهر

کان خلافت، و تاجداری یکتا، در صدف سلطنت و شهریاری، نسیم گلستان عدل و انصاف، شعله نیستان جور و اعتساف، مؤسس قوانین معدلت، مؤکد قواعدرافت و رحمت، دارای نیک رای، و اسکندر ملک آرای، ظل ظلیل آله و المجاهد فی سبیل الله، صدر نشین محفل عنایات حضرت آفریدگار، السلطان ابن السلطان، و الخاقان ابن الخاقان، السلطان «فتحعلیشاه» قاجار، لازالت اطناب دولته الی یوم القیام ممدوده، و ثغور الاسلام بسیف حراسته مسدوده. جهانش به کام و فلک یار باد جهان آفرینش نگهدار باد غم از گردش روزگارش مباد وز اندیشه بر دل غبارش مباد دل و کشورش جمع و معمور باد ز ملکش پر کندگی دور باد که آفتاب خاطر همایونش از بدو طلوع صبح این دولت عظمی، بر ساحت ترویج شریعت غرا پر تو افکن است. و از رای سعادت مشحونش از حین ظهور نور این سلطنت کبری، معالم دین مبین و منهاج شرع متین واضح و روشن است. بر صعود کافه انام بر معراج سعادت مصروف، و عنان عزیمت قضا مشیتش به جانب سلوک خاص و عام بر محجة البیضای طریقه عبودیت معطوف، دست تربیتش را در تقویت ملت بیضا، ید بیضایی است باهر، و انفاس عیسوی آیتش را در احیای علوم، معجزی است ظاهر، روزگار فرخنده آثارش مرکافه رعایا را جامع سعادات، دوران سعادت توامانش مرقاطبه برایا را حاوی فنون کمالات، جهات صوری و معنوی را با هم قرین نموده، کشور سعادت جاودان را چون اقالیم جهان مسخر ساخته، و ممالک دل و جان را از لوث فرنگان ردایل صفات، پاک نموده، دیار مکارم اخلاق را چون ممالک آفاق در قبضه تصرف در آورده، از میامن التفات آن کشور گشای عالم، صورت و معنی ساخته، مقاصد علم اخلاق، که بقیه جنود جهاد اکبر را متکفل است، محل عساکر انظار طالبان علوم دین، و عرصه مباحث این فن شریف، که تسویه صفوف مجاهده نفس اماره را مشتمل است، مضمار فوارس افکار سالکان راه یقین گردید. و مدارس مهجوره آن را رونقی تازه، و معالم متروکه آن را رواجی بی اندازه به هم رسید. و چون لطف عمیمش مقتضی تعمیم این نعمت عظمی نسبت به کافه انام، و خلق کریمش مستلزم نشر این سعادت کبری بین الخاص و العام بود، کتاب مذکور که از جمله کتب مصنفه در این فن مقبول طبع اشرف خاقانی، و منظور نظر عنایت گستر سلطانی شده، به زبان عربی تعبیر، و ارباب ایمان و اصحاب ایمان فارسی زبانان را از مواید فواید آن بهره حاصل نبود، لهذا از مصدر عزت و اجلال، و محفل حشمت و اقبال، اشاره لازم البشاره به این دعا گوئی دولت مصون از زوال، صادر گردید که: خلاصه مطالب و جل مقاصد آن را به سباق فارسی به عبارتی واضح بیان نماید که عموم ناس از فراید فواید آن نفع توانند یافت. بنابراین با وجود عدم بضاعت، و قلت استطاعت، و تفرق بال، و تکسر احوال، بعد از استعانت از حضرت رب الارباب و استمداد از ارواح مقدسه ائمه اطیاب، شروع در تالیف این کتاب شد. امید که مقبول طبع اشرف گردیده، و کافه انام از فواید آن بهره یاب، و ثوابش به روزگار فرخنده آثار پادشاهی عاید گردد. و آن را مسمی نمود به «معراج السعاده» و آن مشتمل است بر پنج باب: باب اول: مقدمات نافعه باب دوم: قوای نفس انسانی و اخلاق ذمیمه باب سوم: محافظت اخلاق حمیده از انحراف و... باب چهارم: فضائل اخلاق حسنه و کیفیت اکتساب آنها باب پنجم: اسرار و آداب عبادات